

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۵۵۱۷ - ۲۰۲۳/۱۸۵



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

تأثیر جهانی شدن بر قومیت گرایی

(مطالعه موردی کردستان عراق ۱۹۹۱-۲۰۰۸)

استاد راهنما:

دکتر سعید وثوقی

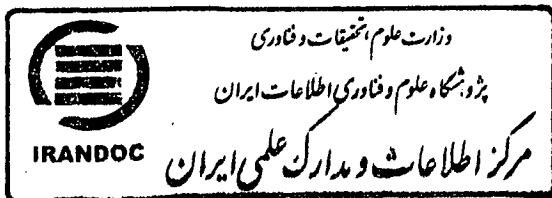
استاد مشاور:

دکتر نوذر شفیعی

پژوهشگر:

محمد علی شریفی

شهریور ماه ۱۳۸۹



۱۵۸۵۱۷

۱۳۹۰/۳/۱۶

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع  
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



پژوه کارشش پایان نامه  
رعایت شده است  
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل آقای محمدعلی شریفی

"تأثیر جهانی شدن بر قومیت گرایی (مطالعه موردی کردستان عراق ۲۰۰۸-۱۹۹۱)"

در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ..... به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه

دکتر سعید وثوقی

با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه

دکتر نوذر شفیعی

با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه

دکتر علی امیدی

با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج از گروه

دکتر رسول ربانی

با مرتبه ی علمی دانشیار

امضا

مدیر گروه علوم سیاسی

دکتر حسین مسعودنیا

۱۳۸۹

## سپاسگذاری

بر خود فرض می‌دانم تا از تمام اساتید و سرورانی که بدون کمک و راهنمایی آنها نگارش این پایان نامه میسر نبود و از دوستانی که اینجانب را یاری نموده و مدیون خود ساختند تشکر کنم. البته این به معنای حمل مسئولیت، اشکالات و ضعفها بر دوش آنها نیست. ناگفته پیداست که هرگونه ضعف و کاستی ناشی از نگارنده بوده و آن سروران از این امر مبری می‌باشند.

از استاد راهنمای عزیزم دکتر سعید وثوقی که از همان ابتدای تهیه این پژوهش همواره یاریگرم بودند و در طول نگارش با نقد های بجا و مناسب خود در نگارش هر چه بهتر رساله مرا یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم. از استاد گرانقدر و مشاورم دکتر نوذر شفیعی که با راهنمایی‌ها و حساسیت های دقیق امکان هر چه پربارتر بودن این رساله را فراهم نمودند و از ارائه هیچ کمکی دریغ نکردند سپاسگذاری مینمایم.

از اساتید گرانقدر دکتر رسول ربانی و دکتر علی امیدی که داوری این رساله را بر عهده گرفتند و با راهنمایی‌ها و انتقادات ارزنده خود نگارنده را مورد عنایت خود قرار دادند و همچنین از استاد عزیز دکتر عمادزاده که نظارت جلسه دفاعیه را بر عهده داشتند تشکر و قدردانی مینمایم.

از زحمات دوستان عزیزم دکتر هیمن بایزیدپور، دکتر محمد حسین زاده، دکتر اسفندیار کهزادی، دکتر محمد صالح سعیدی و عزیزان دیگری که نامشان از قلم افتاده تشکر می‌نمایم.

تقدیم بہ

عظمت پدرم

عظوفت مادرم

وہ بیگانہ سرمایہ زندگی ام، ہمسرم

## چکیده:

جهانی شدن یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیز در دنیای معاصر است که متفکران و اندیشمندان برداشتهای متفاوتی از آن ارائه کرده اند. عده ای آن را پدیده ای با محوریت کشورهای غربی دانسته همچون غربی سازی، فاعل آن را دنیای غرب می دانند. برخی جهانی شدن را روند مدرنیزاسیون خوانده اند و بعضی آن را پدیده ای پسامدرن و کاملاً متمایز از دوره مدرن به شمار آورده اند. بعضی هم با توجه به گستردگی ابعاد جهانی شدن، فشردگی جهان، افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهان، ادغام جنبه های اقتصادی در گستره ای جهانی و پهناور تر شدن گستره تاثیر گذاری و تاثیر پذیری کنش های اجتماعی به تبیین این پدیده پرداخته اند.

در پژوهش حاضر تاثیر جهانی شدن بر قومیت گرایی مطالعه موردی کردستان عراق مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش جهانی شدن نه به عنوان یک وضعیت یا پروژه بلکه چونان فرایندی تدریجی و پایدار توصیف شده است که از گذشته ای دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد، با این تفاوت که هر چه بر عمر آن افزوده می شود، شتاب و گستره آن هم بسیار افزایش می یابد در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش با بهره گیری از نظریات گیدنز و رابرتسون نحوه تاثیر گذاری جهانی شدن بر قومیت ها بررسی شده است. محور مطالعه حاضر تاثیرات ناشی از جهانی شدن بر قومیت گرایی در مورد کردستان عراق بعد از سال ۱۹۹۰، مخصوصاً بعد از سالهای پس از جنگ سرد و جنگ اول خلیج فارس است. این پایان نامه دو هدف اصلی را دنبال می کند: ۱- تبیین تاثیر جهانی شدن بر قومیت گرایی ۲- تبیین قومیت گرایی در کردستان عراق با توجه به پدیده جهانی شدن

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده است و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه ای و با استفاده از مقالات و کتب و منابع اینترنت می باشد. در نهایت تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش، نتایج ذیل را به همراه داشته است:

- ۱- مسئله گرایشات سیاسی محلی گرا در کردستان عراق و وفاداری کردهای عراق به آداب و سنن خود، پدیده ای طبیعی و ما قبل مدرن است، اما سیاسی شدن این وفاداری ها و بسیج گروه های کرد عراقی برای کسب خودمختاری و یا استقلال، یک پدیده مدرن است و در قرن بیستم ریشه دارد.
- ۲- جهانی شدن کارکردی دو گانه دارد، یعنی در عین حال که موجب اتحاد و نزدیکی بیشتر بین هویت های مشترک می گردد، واگرایی و به جستجوی هویت متمایز رفتن را در میان جوامع افزایش می دهد. به عبارت دیگر نمی توان از جهانی شدن و یکپارچگی جهانی سخن گفت و از سوی دیگر هم نمی توان مطلقاً با رویکردی تدافعی و جانبدارانه تاثیر جهانی شدن بر گسترش محلی گرایی و خاص گرایی رای داد، بلکه جهان امروز صحنه همزیستی این دو گفتمان است.
- ۳- جهانی شدن و به خصوص در قالب ماهواره و تلویزیون تاثیر عمیقی بر هویت سیاسی کردستان عراق داشته است و مسئله کردهای عراق را به موضوعی آشکار و واقعیتی عینی در جهان تبدیل نمود. رسانه ها نقش بسیار گسترده ای در نشان دادن رنج کردهای عراق بازی کردند و در نتیجه تهییج افکار عمومی جهان آمریکا، سازمان ملل و دیگر کشورهای اروپایی مجبور به مداخله در امور عراق شده و منطقه پرواز ممنوع را در شمال عراق ایجاد نمودند که در نهایت زمینه ساز خودمختاری کردهای این منطقه گردید.

۴- جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳ که منجر به سقوط صدام حسین و تحول سیاسی در عراق شد، موقعیت کردها را نه تنها در شمال عراق بلکه در سطح دولت ملی بهبود بخشید. آنها توانستند پست ریاست جمهوری و وزارتخانه های عمده دولت عراق را به دست بگیرند و بر فرایندهای سیاسی و شکل گیری نظام سیاسی جدید عراق تاثیر بگذارند.

۵- جهانی شدن و فرایندهای فرا ملی، فضای سیاسی منطقه را تغییر داده و عنصر هویت کردی را در سراسر کردستان عراق به شدت قومی کرده است و به دنبال آن پروژه های ملی گرایانه کردها نیز تحول پیدا کرده و با مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، خودگردانی پیوند خورده است، و به دنبال تشکیل حکومت خود گردان کردها در شمال عراق فعالیت های فرهنگی و ارزش های کردی در تمام منطقه توسعه پیدا کرده است.

**کلید واژه ها:** جهانی شدن، قومیت، هویت، هویت قومی، کردستان عراق



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>	
۱	۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی
۴	۲-۱- تعریف مفاهیم
۵	۳-۱- سوالات تحقیق
۵	۴-۱- فرضیه های پژوهش
۵	۵-۱- روش آزمون فرضیه ها
۵	۶-۱- روش تحقیق
۶	۷-۱- ابزار تجزیه و تحلیل
۷	۸-۱- اهداف تحقیق
۷	۹-۱- اهمیت و ارزش تحقیق
۷	۱۰-۱- کاربرد نتایج تحقیق
۷	۱۱-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق
<b>فصل دوم: جهانی شدن</b>	
۱۰	۱-۲- تعریف جهانی شدن
۱۳	۱-۱-۲- سابقه تاریخی جهانی شدن
۱۸	۲-۱-۲- عوامل موثر بر پدیده جهانی شدن
۲۱	۲-۲- رویکردها و دیدگاههای نظری پیرامون جهانی شدن
۲۱	۱-۲-۲- رویکرد رئالیستی
۲۳	۲-۲-۲- رویکرد مارکسیستی
۲۶	۳-۲-۲- رویکرد لیبرالیسم
۲۹	۴-۲-۲- نگرش های جامعه شناختی
۲۹	۱-۴-۲-۲- گیدنز
۳۲	۲-۴-۲-۲- رابرتسون
۳۴	۳-۴-۲-۲- مارتین آلبرو

عنوان	صفحه
۲-۲-۴- مالکوم واترز	۳۶
۲-۲-۳- ماهیت جهانی شدن	۳۸
۲-۳-۱- جهانی شدن به عنوان یک فرایند	۳۸
۲-۳-۲- جهانی شدن به عنوان یک پروژه	۳۹
۲-۳-۳- جهانی شدن به عنوان یک پدیده	۴۰
۲-۴-۴- ابعاد و پیامدهای جهانی شدن	۴۱
۲-۴-۱- جهانی شدن اقتصاد	۴۱
۲-۴-۲- جهانی شدن سیاست	۴۴
نتیجه گیری	۴۸

#### فصل سوم: تاثیر جهانی شدن بر قومیت

۳-۱- تاریخچه قومیت	۵۰
۳-۲- تعریف قومیت	۵۲
۳-۳- هویت	۵۶
۳-۴- هویت قومی	۵۷
۳-۵- دیدگاههای نظری قومیت	۵۹
۳-۵-۱- کهن گرایی	۵۹
۳-۵-۲- ابزار گرایی	۶۱
۳-۶- جهانی شدن و فرهنگ	۶۵
۳-۶-۱- ادغام و یکسان سازی	۶۶
۳-۶-۲- چند فرهنگ گرایی	۶۹
۳-۷- تاثیر جهانی شدن بر قومیت ها	۷۲
۳-۷-۱- جهانی شدن منجر به تقویت قومیت ها و جنبش های قومی شده است	۷۳
۳-۷-۲- جهانی شدن منجر به تقویت قومیت ها و جنبش های قومی نشده است	۷۹
نتیجه گیری	۸۲

#### فصل چهارم: کردستان عراق

۴-۱- منشا کردها	۸۶
۴-۲- موقعیت جغرافیایی کردستان	۸۷
۴-۳- زبان و مذهب	۹۰

۴-۴-۴- خلاصه ای از تاریخ کردستان عراق .....	۹۱
۴-۴-۴-۱- پیش از اسلام .....	۹۱
۴-۴-۴-۲- پس از اسلام تا جنگ جهانی اول .....	۹۳
۴-۴-۴-۳- جنگ جهانی اول تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران .....	۹۵
۴-۴-۴-۴- کردهای عراق، انقلاب اسلامی ایران ، و جنگ ایران و عراق (۱۹۷۹-۱۹۸۹).....	۹۹
۴-۴-۵- تأثیر جهانی شدن بر کردستان عراق .....	۱۰۰
۴-۵-۱- تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ کردستان عراق .....	۱۰۰
۴-۵-۲- حقوق بشر .....	۱۰۵
۴-۵-۳- رسانه و افکار عمومی .....	۱۰۹
۴-۵-۴- تضعیف حاکمیت دولت .....	۱۱۲
نتیجه گیری .....	۱۱۹
نتیجه گیری کلی .....	۱۲۱
منابع و ماخذ .....	۱۲۶

## فصل اول

### کلیات تحقیق

#### ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی:

جهانی شدن، واژه رایج دهه ۱۹۹۰ میلادی، یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات در علوم اجتماعی است که هر چند در مورد آن بحث های زیادی صورت گرفته است ولی هنوز تعریف جامع و فراگیر، که دربرگیرنده کلیه جوانب این پدیده باشد: ارائه نشده است. و همچنان پیرامون تعریف آن اختلاف نظر و ابهامات فراوانی دیده می شود. نو یا بودن مطالعات و نظریه پردازی های انجام شده درباره جهانی شدن از سویی، و چند وجهی و پیچیدگی این پدیده از دیگر سو، سبب شده تعریف های عرضه شده از جهانی شدن تنوع بسیار زیادی پیدا کند.

جیمز روزنا، جهانی شدن را فرایند دگرگونی در عادات و هنجارها تلقی می کند فرایندی که دل مشغولی نوع بشر در مورد محدودیت های سرزمینی و ترتیبات ستی نظام دولت کشورها را دگرگون می کند (روزنا، ۱۳۷۸: ۷۳). مارتین البرو، جهانی شدن را به فرایندی که بر اساس آن نظام، مردم و جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم می پیوندند، تعریف می کند (کوک، ۱۳۷۷: ۴۰).

رنالیست ها جهانی شدن را به مفهوم گسترش روز افزون ارتباطات تلقی می کنند ولی آن را تحت سیطره دولت می بینند. در این دیدگاه جهانی شدن محصول سیاست است و همین قدرت دولتهای ملی را افزایش می دهد. (Mcgrew: 1997:20) واقع گرایان حتی از به کار بدن واژه جهانی شدن امتناع می کنند و به جای آن ترجیح

می دهند از واژه بین المللی شدن استفاده کنند یعنی همچنان به وجود دولت-ملتها به عنوان اصلی ترین بازیگر در صحنه نظام بین المللی تأکید می کنند. یعنی در تعلق رئالیست ها جهانی شدن منجر به افزایش بیش از پیش فرصت دولتهای ملی و به ویژه قدرتهای بزرگ برای افزایش، حفظ و نمایش و اعمال قدرت خویش می گردد. (قریشی؛ ۱۳۷۹: ۳۸۶). بنابراین آنها به جهانی شدن نگاهی ابزاری دارند و هرگز آن را چالشی در برابر اساس ساختار نظام بین المللی نمی دانند. این رویکرد معتقد است جهانی شدن پدیده ای قدیمی است که در سیمای تازه وارد صحنه بین المللی شده است. این پدیده در گذشته هم وجود داشته است و حتی در برخی از جهات در فاصله ی سالهای ۱۹۱۴-۱۸۷۰ اقتصاد جهانی بازتر و یکپارچه تر از وضعیت کنونی بوده است و از نگاه آنها دولت ها نه تنها ضعیف نشده یا روبه-اضحلال نرفته اند بلکه آنها را همچنان محور تمامی رویدادها و تحولات در عرصه روابط بین المللی محسوب می کنند. (Crasner:1995:51)

در نگرش مارکسیستی، به بحث جهانی شدن از یک زاویه اقتصادی نگریسته می شود و مارکسیستها محتوای جهانی شدن را گسترش سیستم اقتصادی سرمایه داری معرفی می کنند. (آشنا گر؛ ۱۳۸۸: ۱۰) در واقع نیاز سیری ناپذیر سرمایه داری به مواد خام و بازار فروش کالا منجر به آن می شود که این سیستم، روز به روز حیطه فعالیت خود را افزایش داده و مناطق جدیدی را تسخیر کند. سرمایه داری در این مسیر همه چیز را به خدمت می گیرد که از ابزارهای دیپلماتیک و امکانات فهری دولت های جوامع سرمایه داری گرفته تا ابزارهای فرهنگی برای زمینه سازی فرهنگی و شکستن مقاومت در برابر این نظام اقتصادی را در بر می گیرد. از نگاه این رویکرد امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه داری و جهانی شدن آخرین مرحله امپریالیسم است. (والر شتاین: ۱۳۷۷: ۲۲۶) و جهانی شدن پوششی لیبرالیستی برای مفاهیمی چون امپریالیسم، استعمار، استعمار نو... است. (آشنا گر؛ ۱۳۸۸: ۱۱)

در نگرش لیبرالیستی مفهوم جهانی شدن به معنای جهانی شدن لیبرالیسم تلقی می شود. (قریشی: ۱۳۷۹: ۳۸۸) و با توجه به اینکه لیبرالیسم در جهت تأمین منافع انسانها عمل می کند نه تنها در برابر جهانی شدن نباید مقاومت کرد، بلکه، از چنین فرایندی باید استقبال کرد چرا که جهانی شدن تأمین منافع همگان را به دنبال دارد. (آشنا گر؛ ۱۳۸۸: ۶) بنابراین از نظر آنها جهانی شدن به عنوان یک فرایند، نباید چیزی جز تک محوری شدن گیتی و حاکمیت بنیانها و ارزشهای لیبرال در نظر گرفته شود. (هشیار: ۱۳۸۸: ۵۳)

مفاهیم جدید قوم و قومیت در دهه ۶۰ قرن بیستم ظاهر شدند. یعنی پس از موج سوم تشکیل دولت های ملی در کشورهای مستعمره سابق که پس از جنگ جهانی دوم و کاهش قدرت نظامی اروپای غربی به استقلال رسیده و دولت های مستقل خود را تشکیل داده بودند. قومیت و قوم گرایی در واقع در این زمان در مقابل مفهوم ملیت قرار می گرفتند که تبلوری از دولت ملی بود. (برتون: ۱۳۸۷: ۲۳۴).

لغتنامه دهخدا قوم را «گروه مردان و زنان و به ویژه گروه مردان» می‌شمارد. فرهنگ معین هم قوم را «گروه مردم از زن و مرد» معنا کرده است. (گودرزی: ۱۳۸۵: ۴۳). همچنین واژه قوم در فرهنگ بین‌المللی زبان انگلیسی وبستر دو معنی دارد: نخست غیر مسیحیان و غیر کلیمیان، کسانی که به مسیحیت نگرویده‌اند، مثل کفار و بت‌پرستان که مخالف یهودیت و مسیحیت‌اند، دوم منسوب به ویژگی جسمی و ذهنی نژادها یا مربوط به تمییز دادن گروه‌های نژادی بشری بر اساس رسوم و ویژگی‌های مشترک. در حالی که تعریف نخست امروزه بی اعتبار به نظر می‌رسد، تعریف دوم هنوز کاربرد دارد و به طور خاص به «نژادها»، «گروه‌های نژادی» و «ویژگی‌های جسمی و ذهنی در نژادها» اشاره می‌کند. (طالب و گودرزی: ۱۳۸۲: ۱۱۵)

از نظر گیدنز قومیت به رفتارها و چشم‌اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز یک اجتماع از دیگران می‌شود. دیوید رابرسون در فرهنگ سیاسی معاصر در تعریف قومیت می‌نویسد: قومیت گاه به ترکیب پیچیده‌ای از ویژگی‌های نژادی، فرهنگی و تاریخی دلالت دارد که در مواردی، جوامع بر پایه‌ی آن به خانواده‌های سیاسی جدا و احتمالاً دشمن تقسیم می‌شوند. تقریباً هر چیزی می‌تواند مبنای تفرقه قومی قرار گیرد، اما بعد از رنگ پوست دو محور بسیار رایج، یکی مذهب است و دیگری زبان. (هوشمند و کوه شکاف: ۱۳۸۶: ۲۲۵).

تمامی تعاریف ارائه شده از قومیت بر این مسئله دلالت دارند که قومیت، مجموعه‌ای است که اعضای آن از حیث خصلت‌های فرهنگی یا بیولوژیک اشتراک دارند (نوری، ۱۳۸۶: ۳۵) و هویت قومی مجموعه‌ای از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی و اجتماعی که در گروهی از انسانها تجلی می‌یابد و آن گروه را از سایر گروهها متمایز می‌کند (آقا بخشی، ۱۳۸۳: ۷۱). هویت پاسخی به نیاز طبیعی در انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی، و جغرافیایی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۷).

عده‌ای معتقد هستند که روند جهانی شدن برخی از لوازم ضروری خود را دارا است و آن را تحمیل می‌کند، یعنی ارزشهای جهان شمولی را مطرح می‌نماید و پدیده قومیت‌ها در این روند استحاله می‌شوند و محو می‌گردند. در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که مسئله قومیت‌ها و تعارضات قومی همچنان پابرجا می‌ماند (مولودی، ۱۳۸۰: ۱۳). جهانی شدن این دیدگاه را تقویت می‌کند که قومیت و قوم‌گرایی به عنوان یک هویت مستقل مشروعیت پیدا می‌کند. از طرفی روزنا بحث واهمگرایی را مطرح می‌کند که درصدد جمع کردن بین مختصات جهانی شدن و وفاداری‌های محلی و کشوری است به این صورت که اختلاف بین نیروهای جهان‌گرا و نیروهای محلی گرا در یک چهارچوب مشترک روابط اجتماعی فروکش خواهد کرد. در نتیجه درحالی که نظام و هویت جدید بنا به ضرورت شکل می‌گیرد، هویت‌های پیشین (قومی، مذهبی و...) حفظ می‌گردند (عیوضی، ۱۳۸۰، ۱۴۲).

یکی از اقوام بدون دولت که اتفاقاً در چند سال اخیر توجه جهان را به خود جلب کرده‌اند کردها هستند که در چند کشور خاورمیانه توزیع شده‌اند و اعتقاد بر اینکه کردستان باید دولتی مستقل باشد وجود دارد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵). در عراق دولت‌های توتالیتر این تصور را که کردها می‌توانند حق اداره مناطق خودشان را داشته باشند، هرگز نپذیرفته‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۹۲). جهانی شدن سبب تضعیف دولت - ملت‌ها شده که آن منجر به تقویت گروه‌های فروملی گشته است که در کردستان عراق بعد از حمله امریکا به این کشور ما شاهد ایجاد حکومت محلی در این منطقه بوده ایم. این پژوهش در پی آن است که تاثیر جهانی شدن را بر قومیت‌گرایی مورد بررسی قرار دهد و آن‌گاه با نگاهی به تاریخ تحول جنبش کردها در کردستان عراق تاثیرات جهانی شدن را بر قومیت‌کرد (عراق) به عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱-۲- تعریف مفاهیم:

در این پژوهش چند مفهوم کلیدی مطرح می‌باشد که عبارتند از:

#### جهانی شدن (Globalization)

جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی ادغام می‌شوند فشردگی جهان، وابسته تر شدن بخش‌های مختلف جهان، افزایش وابستگی و در هم تنیدگی جهان، فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان، فشردگی زمان و مکان این‌ها تعاریفی هستند که از جهانی شدن ارائه شده‌اند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۹۲).

#### قومیت (Ethnicity)

قومیت به دیدگاهها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی را متمایز می‌کند، اطلاق می‌شود. درعین حال قومیت پدیده‌ای ذهنی است، حتی اگر بر عناصر عینی یا فرهنگی و تاریخی مشترک استوار باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲)

#### هویت قومی (Ethnic Identity)

مجموعه‌ای از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی و اجتماعی که در گروه‌های انسانی تجلی می‌یابد و آن گروه را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند. هویت پاسخی به نیاز طبیعی در انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۷)

### هویت (Identity)

هویت به معنی چیستی و کیستی که از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و در پیوند با چیزی یا جایی برمی آید. این نیاز به وابستگی، ریشه ای ذاتی یا غریزی در انسان دارد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲).

### کردستان عراق (Kurdistan Iraq)

کردستان یا اقلیم کردستان یک منطقه خودگردان در بخش شمالی کشور عراقی است کردستان عراق از شرق به ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم مرز است. کردستان از ترکیب دو واژه کرد و پسوند مکانی ستان گرفته شده است که روی هم رفته به معنی سرزمین کردها است. بنابراین قانون اساسی عراق نام این منطقه اقلیم کردستان است. (رتدل، ۱۳۸۰: ۱۵)

### ۱-۳-سوالات تحقیق:

#### سوالات اصلی:

۱- در جهانی که دولت ها تحت تاثیر جهانی شدن با کاهش یا از دست دادن برخی وجوه قدرت مواجهند، وضعیت حرکت های سیاسی مبتنی بر قومیت چگونه خواهد بود؟ یا اقوامی که خواهان سهم در قدرت سیاسی بوده اند چه وضعیتی خواهند داشت؟

۳- جهانی شدن چه تاثیری بر وضعیت سیاسی کردستان عراق بعد از حمله آمریکا به عراق در جنگ اول خلیج فارس - ۱۹۹۱- تا کنون داشته است؟

### ۱-۴-فرضیه های پژوهش:

۱- جهانی شدن باعث پررنگ تر شدن قومیت ها می شود.

۲- جهانی شدن به مطرح شدن هویت کردها در عراق و خودمختاری آنها منجر شده است.

### ۱-۵-روش آزمون فرضیه ها:

در آزمون فرضیه ها به جمع آوری داده های مربوط به هر متغیر می پردازیم و در نهایت سعی می کنیم وجود رابطه بین دو متغیر را اثبات کنیم. داده های موجود بیشتر با روش تحقیق کتابخانه ای از کتب و مقالات و نیز اسناد و مدارک موجود و منابع اینترنتی جمع آوری خواهد شد.

### ۱-۶-روش تحقیق:



نوع پژوهش در این پایان نامه توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش های اسنادی و کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات و کتب و منابع اینترنت می باشد.

### ۱-۷- ابزار تجزیه و تحلیل:

گیدنز جهانی شدن را به نوعی تحول فضا و زمان می داند که کنش از دور را ممکن می سازد. گیدنز جهانی شدن را نتیجه دینامیسم مدرنیته تلقی می کند که در بر دارنده چیزی است که آن را تکه برداری روابط اجتماعی از طریق فاصله گذاری زمانی - فضایی و استفاده باز اندیشانه از دانش می نامند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۸۶). بنابراین جهانی شدن را می توان پدیده ای دیالکتیکی دانست که در چهارچوب آن رویدادهای یک نقطه روی زمین، تاثیراتی حتی متضاد در جوامعی بسیار دور می گذارد. این دیالکتیک همان دیالکتیک امر محلی و امر جهانی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۸۶). از نظر گیدنز جهانی شدن استحاله نهادهای اساسی است. گیدنز معتقد است که جهانی شدن فشاری وارد می کند تا امکانات و تحرکهای جدیدی برای مناطق خود بسنده و هویت های فرهنگی محلی به وجود آید. بنابراین می توان گفت که یکپارچگی جهانی علاوه بر وارد کردن فشار به سمت بالا، به سمت پایین نیز فشار وارد می کند و اثر فشار به سمت پایین جهانی شدن به دلیل احیای ناسیونالیسم محلی، شکل های محلی هویت فرهنگی و حتی حوادثی از آن نوع که در یوگسلاوی سابق و دیگر مناطق جهان اتفاق افتاده می باشد. و از طرفی روزنا بحث و اهمگرایی را مطرح می کند که درصدد جمع کردن بین مختصات جهانی شدن و وفاداری های محلی و کشوری است به این صورت که اختلاف بین نیروهای جهان گرا و نیروهای محلی گرا در یک چهارچوب مشترک روابط اجتماعی فروکش خواهد کرد. در نتیجه درحالی که نظام و هویت جدید بنا به ضرورت شکل می گیرد، هویت های پیشین (قومی، مذهبی و...) حفظ می گردند (عیوضی، ۱۳۸۰، ۱۴۲). جهانی شدن سبب تضعیف دولت - ملتها شده، و تضعیف دولت - ملتها سبب تقویت نیروهای فراملی شده است.

رابرتسون تاکید می کند که جهانی شدن چیز تازه ای نیست، بلکه تاریخ آن به زمان تجدد و ظهور سرمایه داری بر می گردد، اما تجدد این فرایند را تسریع کرده است (شهرام نیا: ۱۳۸۶: ۴۹) و از نظر او استفاده از واژه «جهانی شدن» در محافل دانشگاهی از اوایل و یا حتی اواسط دهه ۸۰ سده گذشته به بعد، متداول شد. ولی محتوای آن، یعنی فرایند کوچکتر شدن جهان و فشرده تر شدن آن، از مدتها پیش آغاز شده است (آشناگر، ۱۳۸۸: ۱۳) از نظر رابرتسون جهانی شدن عبارت است از فشرده شدن جهان و تبدیل آن به مکان واحد. اما این به معنی یکپارچه شدن جهان نیست. بلکه در این مکان واحد فرهنگ های متعدد فرصت بروز می یابند. نسبییت در مرکز مدل رابرتسون قرار دارد. جهانی شدن هر چیز به نسبی گرایی منجر شده است و این خود موجد جهانی واحد می گردد

که ویژگی‌های فرهنگی یکسان را در سرتاسر جهان می‌گسترده، با این حال به معنی یکپارچه شدن جهان نیست. رابرتسون از فرایند عام شدن خاص - خاص شدن عام، نام می‌برد. این یک فرایند جهان تاریخی است و همیشه وجود داشته است اما در زمان ما شتاب گرفته است. با این فرایند ما هم یک فرهنگ و تمدن جهانی داریم و هم فرهنگ‌های محلی (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۳). در این پایان‌نامه سعی می‌شود تا با استفاده از نظرات گیدنز و رابرتسون به بررسی تاثیر جهانی شدن بر قومیت‌گرایی پرداخته شود و آنرا با کردستان عراق تطبیق خواهیم داد.

### ۱-۸-اهداف تحقیق:

۱- تبیین تاثیر جهانی شدن بر قومیت‌گرایی

۲- تبیین قومیت‌گرایی در کردستان عراق با توجه به پدیده جهانی شدن.

### ۱-۹-اهمیت و ارزش تحقیق:

با توجه به وجود اقلیت کرد در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه و گسترش روابط ایران با عراق خودمختاری کردستان عراق ارتباط تنگاتنگی با امنیت ملی ایران دارد. از این رو شناخت لازم از تاثیر جهانی شدن بر کردستان عراق برای طراحان سیاست خارجی ایران دارای اهمیت اساسی می‌باشد از آنجا که تحقیقات اندکی پیرامون کردستان عراق صورت گرفته است، این تحقیق می‌تواند آغازی برای گسترش تحقیقات پیرامون موضوع یاد شده باشد.

### ۱-۱۰-کاربرد نتایج تحقیق:

آگاهی از شرایط سیاسی - اجتماعی کردهای عراق و روند شکل‌گیری دولت عراق کمک خواهد نمود تا سیاست‌گذاران و مجریان سیاست خارجی ایران از جمله وزرات امور خارجه و دیگر دستگاههای امنیتی، بتوانند سیاستی را اتخاذ کنند که بیشترین منافع را برای کشورمان داشته باشد همچنین این پژوهش می‌تواند به عنوان منبعی برای پژوهشگران، دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد.

### ۱-۱۱-پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

بحث جهانی شدن در حال حاضر موضوعی است که مورد توجه جدی اکثریت سیاستمداران، دانشمندان و محققین و اصحاب قلم در کشورهای مختلف قرار گرفته است. و درین خصوص از طرف صاحب نظران مقالاتی و پژوهشهایی ارائه گردیده است.

نوری (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان «هویت ملی و جهانی شدن» با نگاهی گذرا و فشرده به مفهوم پاره ای از مفاهیم کلیدی همچون جهانی شدن، قومیت، مدرنیته، و به بررسی دگرگونی های ایجاد شده در بستر زمینه هویت های ملی و قومی در چند دهه اخیر می پردازد. و بیشتر حول این مسئله می پردازد که تنها تعدادی از فرهنگ ها، ویژگی جهانی را به واسطه در اختیار داشتن ابزارها و وسایل ارتباط جمعی دارند. و به ذکر این مسئله که جهانی شدن چه تاثیری می تواند بر قومیت ها داشته باشد نمی پردازد.

Park (2005) در کتاب «سیاست ترکیه در قبال شمال عراق» با بررسی روابط ترکیه و عراق به خواستهای ترکیه در مورد کردستان عراق از آغاز شکل گرفتن عراق مدرن تا حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳م به عراق می پردازد. در این کتاب نویسنده بیشتر به پیامدهای ناشی از تحولات شمال عراق بر روابط ترکیه با ایالات متحده و اتحادیه اروپا می پردازد. و به بررسی تاثیر شرایط بین المللی و منطقه ای بر طرح قومیت و هویت کردی پرداخته است، که در این پژوهش سعی می شود به این مسئله پرداخته شود.

خضرزاده (۱۳۸۱) در پژوهش خود تحت عنوان «راهکارهای عملی مقابله با نگرانیهای امنیت ملی در جوامع چند قومی (مورد مطالعاتی عراق)» به این مسئله اشاره دارد که دولت های عراق به جز در موارد محدودی، سیاست سرکوب را در قبال کردها در پیش گرفته اند و به مسئله جنبش کردها در عراق پرداخته بدون اینکه به این مسئله پردازد که جهانی شدن چه تاثیری را بر جنبش سیاسی-اجتماعی کردهای عراق داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است که به این مسئله پرداخته شود.

Randel (۱۳۸۰) در کتاب خود تحت عنوان «با این رسوائی: چه بخشایشی» به صورت مختصر به تحلیل اوضاع کردها ایران، عراق و ترکیه پرداخته است و بیشتر به دنبال تحلیل تاریخ قوم کرد پرداخته و تاثیر اوضاع جهانی و بین المللی بر کردها را مورد توجه قرار نداده است که در این پژوهش سعی بر آن است که به این مسئله توجه شود.

Kandal (۱۳۷۰) در کتاب خود تحت عنوان «کردها» به وضعیت کردهای عراق، سوریه و ترکیه پرداخته است. او معتقد است که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی تنها کردها به واسطه بی کفایتی سیاسی و عقب ماندگی تاریخی رهبران خود نتوانستند کشور مستقل خود را داشته باشند. در این کتاب به بحث حمله صدام به کویت که منجر به ایجاد شرایط جدیدی برای کردهای عراق شده و بحث حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین پرداخته است. و در این پژوهش سعی می شود که به مسئله تاثیر قدرتهای بزرگ بر خود مختاری کردها عراق پرداخته شود.

از آنجا که در زمینه تاثیر جهانی شدن بر قوم گرایی و اینکه چه تاثیری بر کردستان عراق داشته است، تحقیقات به صورت یکسویه و تک بعدی، مسئله کردها، را بررسی کرده اند، در این پژوهش سعی می شود که به مسئله قومیت ها و به ویژه قوم کرد (عراق) که برای سیاستگذاران ایران هم مهم است، پرداخته شود.